



همان قیمت ۳۰۰۰ تومان برای هر لیتر مصوب گشت. باز هم پای تفکر غلط بازار آزاد و عدم فهم مناسبات اجتماعی و مشکلات زندگی مردم در میان است. آنچه برای این تفکر اهمیت دارد کاهش دخالت دولت به هر قیمت و هزینه‌ای در اقتصاد است؛ حتی اگر منجر به شکستن استخوان‌های قشر ضعیف جامعه و آشوب‌ها و اعتراضات خیابانی شود (گفتنی است این بحث به معنای مخالفت با حذف یارانه بنزین نیست؛ بلکه نکته مطرح این است که حرکت به سمت قیمت‌های منطقی و مناسب و حذف یارانه بنزین باید متناسب با وضعیت اقشار جامعه و فهم دقیق واکنش مردم به صورت تدریجی انجام می‌شد).

۳- جمع‌بندی؛ ناکارآمدی سیاست‌های نئولیبرالی در دوره کرونا

ناکارآمدی سیاست‌های نئولیبرالیسمی و عقیم بودن بازار در حل و فصل بحران‌ها خود را آشکار می‌کند. زمانی که بحرانی رخ می‌دهد، دخالت گسترده دولت‌ها می‌تواند عواقب و پیامدهای منفی بحران را کاهش دهد (همان که کینز در مواجهه با رکود ۱۹۳۰ به درستی به آن اشاره کرد). در بحران‌ها منافع شخصی در راستای منافع اجتماعی قرار نمی‌گیرد و از این رو تئوری جریان ارتدکس (جریان متعارف اقتصادی) مبنی بر هم‌راستایی منافع شخصی با منافع اجتماعی عمیقاً زیر سؤال می‌رود. روند آزادسازی اقتصاد جهان از دهه ۸۰ و همراه شدن این آزادسازی با افزایش چشمگیر بحران‌های اقتصادی و مالی در سطح کشورها، نشان داد که خصوصی‌سازی لزوماً به بهبود فضای اقتصادی منجر نمی‌شود. علاوه بر این، بر اساس تجربه کشورهای مختلف در برابر بحران‌ها، کشورهایی که دارای حاکمیت مقتدرتری هستند، بهتر و راحت‌تر از بحران‌ها عبور می‌کنند؛ بنابراین تفکر نئولیبرالیسم نه تنها خود خالق بسیاری از بحران‌های دهه‌های اخیر بوده، بلکه در حل آن‌ها نیز کاملاً عقیم ظاهر شده است. بحران اخیر کرونا نیز از این منظر مستثنا نیست؛ کشورهایی مانند چین که از دولت مقتدرتر و حاکمیت قوی‌تری برخوردار بوده‌اند در مواجهه با این بحران عملکرد به‌مراتب جدی‌تری را نشان داد و در مقابل کشورهایی که محل پیدایش نئولیبرالیسم بوده‌اند، در مواجهه با بحران کرونا، همانند رویارویی با سایر بحران‌ها، عملکرد ضعیفی داشته‌اند.

کرد. در بین آن‌ها خصوصی کردن بانک‌ها و شروع بانکداری خصوصی در دهه ۸۰ از مهم‌ترین طرح‌های این تفکر بود. در واقع آغاز به کار بانک‌های خصوصی در ایران بدون در نظر گرفتن مناسبات نهادی کشور و در نبود مقام ناظر قوی و قدرتمند بانک مرکزی برای کنترل و نظارت دقیق بر بانک‌ها، به بحران سیستمیک در بانک‌های کشور منجر شد. این بحران از سال ۹۲ و با بازگشت این جریان به مناسبات سیاسی و اقتصادی کشور و به دلیل فهم اشتباه از سیستم بانکی و واقعیت‌های بانکی کشور، تشدید شد. عدم فهم درون‌زا بودن پول در مناسبات کشور و بی‌توجهی به این نکته مهم که کنترل پایه پولی نمی‌تواند ابزاری برای کنترل نقدینگی و تورم باشد، بانک‌ها را در دام نرخ بهره انداخت. در واقع نگاه غلط این تفکر به بانک و بی‌توجهی به اینکه بانک‌ها اساساً پول را از هیچ خلق می‌کنند و برای همین واسطه مالی نیستند، به آزادسازی نرخ‌های بهره و جنگ قیمتی بین بانک‌ها منجر شد. از این‌رو وارد کردن بازیگران بد (بانک‌های خصوصی) در سیستم بانکی و خلق پول بی‌ضابطه این بانک‌ها در نبود نظارت بانک مرکزی باعث انباشت حجم عظیمی از دارایی‌های موهومی در ترازنامه بانک‌های کشور و ایجاد بحران پنهان بانکی شد. طبق برآوردهای غیررسمی ابعاد این ناترازی و بحران در شبکه بانکی کشور به بیش از یک سوم نقدینگی کشور رسیده است. این اتفاق بانک‌ها را آن‌چنان در بحران عمیق بانکی فرو برده است که خارج شدن از آن احتمالاً با بحران‌ها و تنش‌های بزرگ اجتماعی همراه خواهد شد.

۲-۲- آزادسازی قیمت‌های انرژی توسط تئوریسین‌های نئولیبرالیسم و بحران اجتماعی سال ۹۸

پس از اینکه مهم‌ترین ثمره تفکر نئولیبرالیسم در تعمیق بحران بانکی در کشور به بار نشست و تبعات اقتصادی آن از جمله تورم، رکود عمیق اقتصادی، افزایش بیکاری و فقر و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های پیشران اقتصادی نمایان شد، نوبت به گام بعدی این تفکر در فروکوفتن اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه رسید؛ آزادسازی قیمت‌های انرژی و افزایش قیمت بنزین! طبق اخبار غیررسمی، برخی از این متفکرین، قیمت ۶۰۰۰ تومان را برای هر لیتر بنزین آزاد پیشنهاد داده بودند که خوشبختانه اعمال نشد و

۲- بی‌توجهی به مناسبات اجتماعی در تئوری‌های اقتصادی

این نوع نگاه پوزیتیویستی به علم که آن را از بسترهای بنیادین خودش جدا می‌کند، با اشکالات فلاسفه علم در قرن ۲۰ در اروپا پایان یافت؛ اما در کشور ما هنوز عده‌ای بر این غلط مرسوم اصرار می‌ورزند. یک تئوری اقتصادی اگر به صورت ارگانیک از دل اقتضائات طبیعی و مناسبات نهادی یک جامعه بیرون نیاید و به صورت تقلیدی از کشورهای دیگر اخذ شود، تنها به بحران‌های عمیق اقتصادی منجر خواهد شد.

۲-۱- چگونه مهندسان اقتصادی عاملان ایجاد بحران بانکی شدند؟

مکتب نیاوران (اقتصاددانان بازار آزاد) بدون توجه به اقتضائات و مناسبات کشور اقدام به آزادسازی نهاد‌های دولتی و خصوصی‌سازی اقتصاد